

پورتوآلگره - ۲۰۰۱

چشم در برابر چشم

دکتر پیروز ایزدی

این اجلاس از سوی یک سازمان سوییسی - که خود نقش مشاور سازمان ملل متحد را بر عهده دارد- برگزار می شود و بیشتر از یک هزار شرکت، اجلاس داووس را به لحاظ مالی مورد حمایت قرار می دهند.

اجلاس اجتماع جهانی، عرصه ای را برای تدوین سیاست های اقتصادی جایگزین و تبادل تجربیات و تقویت اتحادیه های شمال - جنوب میان سازمان های غیردولتی (NGOs)، اتحادیه ها و جنبش های اجتماعی فراهم می نماید. این اجلاس، همچنین فرصتی را برای انجام اقدامات ملموس، آموزش همگانی و بسیج جامعه مدنی به لحاظ بین المللی ایجاد خواهد کرد.

اجلاس اجتماع جهانی در یک نگاه

«اجلاس اجتماع جهانی*»، عرصه بین المللی جدیدی برای سازماندهی فعالیت ها علیه سیاست های نئولیبرال و همچنین اتخاذ سیاست های اقتصادی جایگزین خواهد بود که اولویت و دستورکار خود را بر عدالت اجتماعی قرار دهند.

اجلاس مزبور، سالیانه در شهر پورتوآلگره برزیل و همزمان با اجلاس اقتصاد جهانی در داووس سوییس (در پایان ژانویه) برگزار می شود. از سال ۱۹۷۱، اجلاس اقتصاد جهانی توانسته است نقش محوری در تنظیم و تدوین سیاست های نئولیبرالی در سرتاسر جهان بازی کند.

*. World Social Forum

یکی از اولین سازمان‌های معترض، ATTAC بود که امروزه پیروان بسیاری را در فرانسه و در خارج از این کشور گردهم می‌آورد و هدف خود را مبارزه برای اخذ مالیات بر حرکت سرمایه قرار داده است که از سوی «جیمز توبین»، برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد، پیشنهاد گردیده است.

اما در میان آنهایی که امکان و احتمال کنترل کامل دنیا را توسط سود سرمایه نپذیرفته‌اند، تظاهرات مختلفی علیه سازمان‌های حامی این فکر سازماندهی شد که معروف‌ترین آنها در شهر سیاتل علیه سازمان تجارت جهانی، در واشنگتن علیه صندوق بین‌الملل پول و بانک جهانی و مورد اخیر آن در شهر پراگ بوده است. بیست سال است که صاحبان سود جهانی

دست به گردهمایی‌هایی می‌زنند که نام آن را اجلاس اقتصاد جهانی گذاشته‌اند و محل برگزاری آن در شهر داووس سوییس می‌باشد. گردهمایی مزبور، اجتماع بزرگی است که در آن سران تفکر غالب مالی یکبار به کنکاش درباره موضوعات مهم اقتصادی همچون جهانی شدن می‌پردازند که البته لازمه حضور برای غیر اعضا پرداخت ۲۰/۰۰۰ دلار صرفاً برای امر شنیدن مباحثات سران می‌باشد.

اجلاس پورتوآلگره صدها نماینده از نهضت‌ها و جنبش‌هایی را گردهم آورد که به نوعی مخالف جهانی شدن براساس شیوه‌های نئولیبرالی هستند. هدف از برگزاری این اجلاس عبارت بود از اینکه با کسانی مقابله

اجلاس اجتماع جهانی که نتیجه یک حرکت روبه‌رشد بین‌المللی توسعه یافته است، به ویژه از زمان بسیج علیه توافق چند جانبه در امر سرمایه‌گذاری (MAI) در اروپا (۱۹۹۸)، تظاهرات سیاتل، اجلاس سازمان تجارت جهانی (WTO) در ۱۹۹۹، تظاهرات اخیر علیه صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در پایتخت آمریکا رشد ملموسی یافته است.

اهداف اجلاس اجتماع جهانی

در اوایل ۱۹۹۸ پیشنهاد توافق چند جانبه‌ای در امر سرمایه‌گذاری مطرح شد که به تأیید و امضای کشورهای ثروتمند جهان رسید که نهایتاً پس از آن بر دیگر کشورهای جهان تحمیل شد.

توافق مزبور به طور مخفیانه در سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) به بحث گذاشته شد با این هدف که به منشوری برای سرمایه جهانی مبدل شود. این توافق خصوصاً در رابطه با کشورهای جهان سوم که سرمایه‌گذاری در آنها تبعیض آمیز بود، اعتراضاتی را موجب شد. نشانه‌هایی از اعتراض، نخستین بار در روزنامه فرانسوی زبان "لوموند دیپلماتیک" با اشاره به حرکت‌های رالف نادر در بسیج افکار عمومی به چاپ رسید. مقاله مزبور منجر به تقویت اعتراضات اجتماعی و نهایتاً در پایان سال ۱۹۹۸ منجر به خروج فرانسه از این گفتگوها و پرهیز از همراهی با توافق مورد بحث شد.

کنند که قصد دارند جهان را باز هم بیشتر به سوی کالایی شدن و تسلط سرمایه سوق دهند. این اجلاس در صدد آن بود که نشان دهد جهانی دیگر نیز امکان پذیر است.

اجلاس پورتوآلگره دستاوردهای عظیمی نیز به همراه داشت: حضور بیش از ۲۰۰۰ نماینده از جنبش‌های مختلف و ایجاد نوعی همگرایی میان آنها به انجام مباحث مفید و پرمحتوی و نیز پوشش خبری مناسب.

چنان‌که گفته شده مجمع اجتماع جهانی سازمان دهنده اصلی این اجلاس، خود از چندین جنبش اجتماعی و سازمان غیردولتی تشکیل

می‌شود. ابتکار تشکیل این مجمع مورد استقبال و سیاست دولت ایالت «ریوگرانده» که مرکز آن شهر پورتوآلگره است قرار گرفت. و نتیجه آن شد که از تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۰۱ این شهر به مدت پنج روز میزبان اجلاس مجمع اجتماع جهانی بود و قرار بر این شد که از این به بعد همه ساله این اجلاس همزمان با برگزاری اجلاس داووس در همین شهر برگزار شود.

نکته قابل توجه در این اجلاس ایجاد همگرایی میان جنبش‌های مختلف در رابطه با برآورده ساختن نیازهای اساسی بشری بود. پیش از برگزاری این اجلاس نیز جنبش‌های مختلف شرکت‌کننده در مناسبت‌های گوناگون

به‌طور هماهنگ با یکدیگر عمل کرده بودند، از جمله در بانکوک در فوریه ۲۰۰۰ در جریان دهمین کنفرانس سازمان ملل متحد درباره تجارت و توسعه، در واشینگتن در آوریل ۲۰۰۰

در جریان اجلاس پاییزه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، در جریان اجلاس ارزیابی کنفرانس سران ملل متحد درباره توسعه اجتماعی در ژنو در ژوئن ۲۰۰۰، در اوکیناوا در ژوئیه ۲۰۰۰ در جریان اجلاس گروه هفت؛ در پراگ در سپتامبر ۲۰۰۰؛ در بروکسل، نیویورک و واشینگتن در اکتبر ۲۰۰۰ در جریان راهپیمایی زنان جهانی؛ در همان ماه در سئول در جریان سومین کنفرانس آسیا-اروپا، در نیس در دسامبر ۲۰۰۰ در جریان اجلاس سران اتحادیه اروپا، در داکار در دسامبر ۲۰۰۰ در جریان گفتگوهای شمال-جنوب.

این اقدامات امکان اتخاذ مواضع مشترک بین جنبش‌های اجتماعی قدرتمند (اتحادیه‌های کارگری در برزیل، کره جنوبی، آرژانتین، آفریقای جنوبی و غیره)، جنبش‌های دهقانی با جنبش‌های شهروندان مانند ATTAC، جنبش‌های بومی (مانند زاپاتیستادرمکزیک) با راهپیمایی زنان جهان؛ شبکه‌های بین‌المللی؛ جنبش‌های ندارها (افراد فاقد زمین، مسکن، شغل و غیره)، با جنبش‌های صلح‌گرا و طرفدار محیط زیست، چپ‌رادیکال؛ ائتلاف‌هایی در زمینه موضوعات مشخص از قبیل لغو بدهی‌های کشورهای جهان سوم و مخالف با تهاجم سیاست‌های نئولیبرالی در زمینه تجارت و غیره.

می‌توان موضوعات مورد توافق میان این جنبش‌ها را به صورت زیر خلاصه کرد: ضرورت وجود گزینه‌ای دموکراتیک و بین‌المللی گرا در برابر جهانی شدن سرمایه‌داری نئولیبرال؛

ضرورت برقراری مساوات بین مردان و زنان؛

ضرورت تعمیق بخشیدن به بحران مشروعیت

بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان

تجارت جهانی، مجمع داووس، گروه هفت و

شرکت‌های بزرگ چند ملیتی؛ حمایت از لغو

بدهی‌های کشورهای جهان سوم و کنار گذاشتن

سیاست‌های تعدیل ساختاری؛ حمایت از

پایان دادن به مقررات زدایی از تجارت، مخالفت

با بعضی کاربردهای ارگانیزم‌های به لحاظ

ژنتیکی تغییر یافته و عدم پذیرش تعریف کنونی

از حقوق مالکیت معنوی در رابطه با تجارت

و مخالفت با خصوصی‌سازی، مخالفت با

سیاست‌های نظامی گرایانه؛ حمایت از حق مردم

برای برخورداری از توسعه درونزا؛ تأمین منابع

مالی بر مبنای مالیات بستن بر سرمایه؛ حمایت

از حقوق بومیان؛ ضرورت اصلاحات ارضی و

کاهش عمومی ساعات کار؛ ضرورت مبارزه

مشترک در چارچوب شمال-جنوب و شرق-

غرب با ترویج تجارب دموکراتیک مانند بودجه

مشارکتی که در پورتوآلگره اعمال شده است.

این عناصر اصلی همگی در اعلامیه

جنبش‌های اجتماعی که در مجمع اجتماع

جهانی در پورتوآلگره به تصویب رسید، انعکاس

یافته‌اند. برخی سؤالات مهم هنوز مورد بحث

است: آیا ضروری است که بانک جهانی صندوق

بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی منحل

شوند و یا اینکه می‌توانند اصلاح گردند؟ آیا ما

باید در کشورهای پیرامون برای تعلیق پرداخت

بدهی‌ها یا اتکا به مذاکرات بدون توسل به این

اقدام مبارزه کنیم یا خیر؟

چشم در برابر چشم، پورتوآلگره در برابر

داووس

داووس توسط سیم‌های خاردار محاصره شده

است و صدها پلیس و سرباز از آن محافظت به

عمل می‌آورند، درحالی که پورتوآلگره درهای

خود را بر روی تمام افرادی که آماده‌اند نفعی به

بشریت برسانند باز کرده است. در داووس

تجمل و تشریفات کم است، در پورتوآلگره

منزلت و حیثیت جایگاه خاصی دارد. داووس

دستخوش بحران مشروعیت است، پورتوآلگره

در جستجوی روش‌ها و سیاست‌های جایگزین

است.

دیدگاه‌های نوام چامسکی پیرامون

مجمع اجتماع جهانی

پس از جنگ جهانی دوم، یکپارچه سازی

اقتصاد بین‌المللی (جهانی شدن) شتاب

بیشتری گرفت. در اواخر قرن بیستم، شاهد

رشد اقتصاد جهانی در مقیاس وسیع هستیم،

به گونه‌ای که حجم مبادلات تجاری در آن به

حد بی‌سابقه‌ای رسیده است. اما تصویری که

از اقتصاد جهانی در دست است، بسیار پیچیده‌تر

از این می‌باشد.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم این روند

شاهد پشت سر گذاشتن دو مرحله بود: (۱) دوره

برتون وودز تا اوایل دهه ۱۹۷۰ و (۲) دوره پس از

آن. مرحله دوم معمولاً مرحله‌ای است که از

آن به عنوان مرحله "جهانی شدن" یاد می‌شود و مرتبط با به اصطلاح "سیاست‌های نئولیبرالی" است یعنی تعدیل ساختاری و اصلاحات برای اکثر کشورهای جهان سوم. این دو مرحله تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند؛ بسیاری از اقتصاددانان مرحله نخست را "عصر طلایی" سرمایه‌داری کشورهای صنعتی می‌نامند و مرحله دوم را "عصر بومی" تلقی می‌کنند چرا که این عصر شاهد وخیم‌تر شدن قابل ملاحظه استانداردهای اقتصاد کلان بوده است (به لحاظ نرخ رشد، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری و غیره) و نابرابری‌ها را افزایش داده است. در کشورهای ثروتمند، دستمزد نیروی کار ثابت باقی‌ماند یا دچار تنزل شد، ساعات کاری افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت و نظام‌های حمایتی دچار ضعف گردیدند.

جهانی شدن معاصر به عنوان گسترش "تجارت آزاد" تعریف می‌شود، اما این امر گمراه‌کننده است. بخش وسیعی از "تجارت" در واقع به صورت مرکزی اداره می‌شود. اتحادیهایی استراتژیک میان بنگاه‌های اقتصادی به وجود آمده است و اتکای زیادی به بخش دولتی جهت اجتماعی کردن هزینه‌ها و خطرات صورت گرفته است. موافقتنامه‌های تجارت آزاد بین‌المللی ترکیبی پیچیده از آزادسازی و حمایت‌گرایی هستند؛ در بسیاری از حوزه‌های حساس و حیاتی (به ویژه در صنایع داروسازی) شرکت‌های بزرگ از طریق سیاست‌های انحصارگرایانه در زمینه قیمت‌گذاری دارو به

سود عظیمی دست پیدا کرده‌اند و در این راه از کمک بخش دولتی نیز برخوردار بوده‌اند. انتقال سرمایه‌ها به صورت کوتاه‌مدت به صورت بورس‌بازی که در مرحله دوم رواج زیادی پیدا کرده است به شدت امکانات برنامه‌ریزی توسط دولت‌ها را محدود کرده است و در نتیجه این امر حمایت مردم در نظام‌های سیاسی دموکراتیک رنگ یافته است.

تجارت در این مرحله شکل و منظری بسیار متفاوت نسبت به قبل پیدا کرده است. بخش عظیمی از مبادلات تجاری را اینک جریان تولیدات صنعتی به کشورهای ثروتمند تشکیل می‌دهد که قسمت اعظم آن ماهیت درون‌بنگاهی دارد. اینها همه عملکردی بر ضد طبقه کارگر و دموکراسی دارند. نظامی که در حال ظهور است در واقع نوعی "مرکانتیلیسم شراکتی" (corporate mercantilism) است که در آن تصمیمات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسط کسانی اخذ می‌شود که پاسخ‌گو نیستند.

تعجبی ندارد که آثار ناشی از مرحله دوم منجر به اعتراضات و مخالفت‌هایی از ناحیه عموم مردم شده باشد و این اعتراضات و مخالفت‌ها در نقاط مختلف جهان هر یک به شکلی جلوه‌گر گردد. مجمع اجتماع جهانی فرصت کم سابقه‌ای برای گردهم آوردن نیروهای مردمی از کشورهای فقیر و غنی جهت ایجاد روش‌های جایگزین سازنده‌ای فراهم می‌کند که به دفاع از اکثریت عظیم مردم جهان در برابر حملاتی بپردازد که علیه حقوق

اساسی بشر صورت می‌گیرد و نیز موجبات شکسته شدن انحصارات نامشروع قدرت و بسط قلمرو آزادی و عدالت را فراهم سازد.

دیدگاه‌های برنارکاس، تحلیل‌گر لوموند دیپلماتیک، پیرامون اجلاس پورتوآلگره

خوانندگان "لوموند دیپلماتیک" با تجارب دموکراسی مشارکتی که در پورتوآلگره به اجرا درآمد، آشنایی دارند و از برگزاری مجمع اجتماع جهانی در این شهر مطلع شده‌اند. آنان چشم‌انداز شکل‌گیری یک جنبش وسیع مشورتی در سطح بین‌المللی را از این رهگذر مشاهده می‌کنند. در نتیجه برای آنان بازتاب فوق‌العاده این ابتکار در فرانسه و دیگر نقاط جهان جای تعجبی ندارد. اجلاس پورتوآلگره که به طور همزمان با اجلاس داووس روز ۲۵ ژانویه گشایش یافت به لحاظ پوشش رسانه‌ای شأن و مقامی هم پایه مجمع اقتصاد جهانی پیدا کرد یعنی مجمعی که از سی سال قبل از کانون‌های بزرگ امور مالی و صنایع برای شکل دادن به آینده جهان بنا بر میل خود در آن گردهم می‌آیند. در یک سوی اقیانوس اطلس، بر فراز کوهستانی در سوییس، بانکداران، صاحبان سهام، رؤسای شرکت‌های چند ملیتی و سیاستمداران در پی به انقیاد کشاندن جوامع جهت کسب منفعت و سود خویش هستند. در سوی دیگر اقیانوس اطلس، انجمن‌ها، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های غیردولتی (NGOs) آمده‌اند تا بگویند جهانی غیر از آنچه

توسط نئولیبرالیسم غالب تحمیل شده امکان‌پذیر است. صرف وجود مجمع اجتماع جهانی مشروعیت داووس را نفی می‌کند و مجمع اخیر اگر به موجودیت خود ادامه دهد از این به بعد چیزی جز اجتماع منافع شرکتهای بزرگ نخواهد بود، اجتماعی که می‌کوشد روند جهانی شدن را در مسیری خلاف آرزوی ایجاد جهانی عادلانه‌تر، دارای همبستگی بیشتر و نیز دل‌بستگی بیشتر به آینده کره زمین به پیش برد. از اینرو، آنچه در پورتوآلگره گذشت برآستی یک نقطه عطف بود. جنبش‌های مخالف جهانی شدن لیبرال - یعنی جهانی شدنی که در خدمت پول باشد - با همه تنوعی که داشتند، نه تنها تصمیم‌گیرندگانی را که در مجمع‌های عمومی صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، شورای اروپا گرد می‌آیند، رسوا ساختند بلکه پیشنهادهایی را مطرح ساختند که حاصل اتفاق نظر بین‌المللی بود. به عنوان پایان بخش گزارش پورتوآلگره - ۲۰۰۱ بخشی از سخنان آقای نوام چاسکی را که در این اجلاس بازتاب پیدا کرد، می‌آوریم. وی می‌گوید:

جهانی شدن به معنی گسترش تجارت آزاد نیست بلکه دارای جنبه‌های پیچیده‌ای است که نتیجه‌ای جز تضعیف حاکمیت مردم در نظام‌های سیاسی دموکراتیک ندارد.